



## آنچه خود داشت

یک روز در آغاز گشایش دروازه زندگی غربی به روی ایران - که پیشرفت بود، علم بود، ماشین بود و ایرانی‌ها هیچ چیز نداشتند - سیاستمداران و متفکران و نخبگان آن روز ما به جای این که وقتی آن پیشرفت‌ها را دیدند، به فکر جوشش از درون باشند - کاری که امیرکبیر در زمان ناصرالدین شاه کرد و می‌خواست بکند - شصت سال، هفتاد سال بعد از زمان امیرکبیر، آقای در دوره مشروطه پیدا شد که گفت راه نجات کشور ایران این است که جسماً، روحاً، ظاهراً و باطناً فرنگی شود! به جای این که برای جبران عقب‌افتادگی‌ها به درون مراجعه کنند و گوهر خویش را جستجو کنند، به جای این که خویش را در خویش پیدا کنند، رفتند سراغ این که خود را در راه طی شده اروپا پیدا کنند! آن‌ها این اشتباه را کردند... امروز خطاست که جوان ما بخواهد آن راه را طی کند. آن راه، راه خطایی است.

